# عدم اطمینان به مخالف، مناط حجیت بینه نزد مرحوم حکیم

**شاگرد:** در روایات، بحث رؤیت را به یقین منوط نکرده‌اند، بلکه ای نفی شک و ظنی می‌کنند ای امری مثل رؤیت را می‌گویند که رافع شک باشد. آیا رؤیتی که در اینجا مطرح می‌شود می‌خواهد حال یقین حاصل شود یا تنها می‌خواهد حال شک بر طرف شود؟ مثل روایتی که از امام سؤال کرد کسی خودش دیده اما دیگران نمی‌بینند، حضرت فرمودند «اذا لم یشک فلیفطر» یا طبق نقل دیگر «و الا فلیصم مع الناس». در اینجا اموری را ذکر می‌کنند که تنها رافع شک باشد. نه اینکه یقین حاصل کند.

**استاد:** این هم نکته‌ای است که فرض ثالثی را برای تنقیح مناط در این روایت درست می‌کند. حال نظرتان باشد الآن می‌رسیم. فرمایش خوبی است؛ یعنی از احتمالاتی است که می‌توان آن را مطرح کرد.

دیروز در آخر مباحثه از مرحوم حکیم عبارتی را خواندم، نشد تمام کنیم. مرحوم سید فرمودند:

> **في طريق ثبوت هلال رمضان وشوال للصوم والإفطار، وهي أمور**
>
> **الأول : رؤية المكلف نفسه. الثاني : التواتر. الثالث : الشياع المفيد للعلم وفي حكمه كل ما يفيد العلم ولو بمعاونة القرائن. فمن حصل له العلم بأحد الوجوه المذكورة وجب عليه العمل به وإن لم يوافقه أحد ، بل وإن شهد ورد الحاكم شهادته. الرابع : مضي ثلاثين يوماً من هلال شعبان ، أو ثلاثين يوماً من هلال رمضان ، فإنه يجب الصوم معه في الأول و الإفطار في الثاني. الخامس : البينة الشرعية**[1]

اینکه فرق شیاع و تواتر در چیست، مرحوم آقای حکیم تصریحی ندارند، ولی تعبیر «ويحتمل أن يكون المراد بها الثالث» را هم فرموده‌اند. مثلاً مرحوم آقای حکیم در ابتدا روایت معروف «لا تصم ذلك اليوم ، إلا أن يقضي أهل الأمصار ، فإن فعلوا فصمه» را مصداق تواتر دانسته‌اند. خب ببینید این فرمایشی که ایشان دارند و این استفاده‌ای که ایشان از این روایت کرده‌اند با فرق تواتر و شیاعی که دیروز من عرض کردم، خیلی هم‌خوانی ندارد. «يقضي اهل الامصار» یعنی شهرهایی قضا کردند. خب یعنی چون اهل الامصار قضا کردند، خبر متواتر می‌شود؟! متواتر قرار شد در کنار

شایع باشد؛ به‌گونه‌ای‌که «اذا اجتمع افترقا». این ملازمه ندارد که اهل الامصار قضا کنند، اما اخبار از رؤیت تواتر صورت گرفته باشد. لذا در نبالهٔ آن فرمودند «یحتمل ان یکون المراد باهل الثالث»، ممکن است که منظور از این روایت، سوم باشد. اینطور که من تفاوت بین تواتر و شایع را عرض کردم، ظاهر روایت بیشتر مناسب همان ثالث است. «یقضی اهل الامصار» به‌معنای «تواتر الخبر بالمشاهده» نیست. چه بسا خود اهل الامصار هم با همان بینهٔ عدلین برایشان ثابت شده باشد. نه اینکه آن‌ها خودشان متواتر دیده باشند و اخبار کرده باشند.

مرحوم حکیم در حاشیهٔ عروه ذیل بیّنه مناقشه‌های دارند.

> **إذا لم تكن علّة في حجّية البيّنة من البلد إذا لم يحصل الاطمئنان بصدقها شبهة و إشكال**[2]

«في حجية البينة» خبر مقدم است، «شبهة» مبتدای موخر است. مجموع جمله، جواب «اذا» است. در مستمسک این را خیلی به‌صورت شبهه محکمی مطرح نفرموده‌اند. اول فرمودند بینه صاف است و حجت دارد، بعد فرمودند: نعم، دو خبر با آن معارضه می‌کنند. در ادامه می‌فرمایند:

> **وكيف كان فالقول المذكور ضعيف ، لا لضعف الخبرين ـ لأن الظاهر اعتبار الأول ، مع الانجبار بعمل الأجلاء ـ بل لأن ظاهر الخبرين عدم حجية البينة مع الاطمئنان النوعي بالخطإ**[3]

**«و كيف كان فالقول المذكور ضعيف»؛** اینکه بگویی‌م در زمانی‌که در آسمان ابر است، بینه قبول نمی‌شود، ضعیف است. **«لا لضعف الخبرين»؛** به‌خاطر ضعف خبرین نیست. **«لأن الظاهر اعتبار الأول ، مع الانجبار بعمل الأجلاء»؛** چون اولی منجبر است و سندش هم خوب است. **«بل لأن ظاهر الخبرين عدم حجية البينة مع الاطمئنان النوعي بالخطإ»**؛ وقتی اطمینان نوعی به خطا هست، بینه حجت ندارد. در حاشیه هم فرمودند: **«إذا لم تكن علّة في حجّية البيّنة من البلد إذا لم يحصل الاطمئنان بصدقها شبهة و إشكال».**

**7:53**

بین دو جمله این دو کتاب خیلی ملازمه‌ای نیست. در حاشیه می‌فرمایند اگر بینه بخواهد حجت باشد، باید حصول اطمینان به صدقش باشد. همین که اطمینان به صدقش حاصل نشد، شبهه و اشکال هست. اما در مستمسک آن طرفش را می‌فرمایند؛ یعنی اطمینان نوعی به خطای آن داریم. بنابرایی فرض ثالثی هم در اینجا می‌شود. عبارت ایشان معادل هم نیست. بین اینکه اطمینان داشته باشیم که اینها خطا کرده‌اند، با اینکه عدم اطمینان به صدق داشته باشیم فاصله است. علی ای حال ظاهراً منظور ایشان همین باشد. از نظر بحث، آثارش تفاوت می‌کند.

**شاگرد:** متعلق «بالخطا» چیست؟ یعنی خطای بینه؟

استاد: بله، خطای کسانی که دیدند.

**شاگرد:** اطمینان دارم که خطا زیاد بوده، شاید آن بینه هم از خطا باشد.

**استاد:** چون هوا صاف بوده، و هیچ کسی جز اینها ندیده است، اطمینان نوعی به خطا هست. نه صرف عدم اطمینان به صدق. اطمینان به خطا مئونه بیشتری می‌برد، تا عدم اطمینان به صدق. واسطه هست. این دو عبارتشان دقیقاً معادل نیست. از نظر بحث‌های فقهی هم آثار دارد. الآن می‌خواهم برخی از آن‌ها را عرض کنم.

**شاگرد۲:** در خصوص مورد هم واسطه دارد؟ یعنی تعبیر در این خصوص، تفاوت دارد؟

**استاد:** در خصوص مورد اگر «خمسون» مطرح شود، بله. مثلاً گاهی می‌بینید سی نفر دیدند. در اینجا عدم اطمینان به صدق، ممکن است نباید. چون ممکن است عده زیاد دیگری ندیده باشند. اما وقتی سی نفر شدند، نمی‌توان گفت که به خطای آن‌ها اطمینان داریم. تفاوت می‌کند. حتماً در اینجا واسطه هست، مخصوصاً با این دو روایت که در اینجا مطرح شده. ایشان می‌فرمایند: «لأن ظاهر الخبرين عدم حجية البينة مع الاطمئنان النوعي بالخطإ».

**شاگرد**: مورد یعنی خصوص جایی که بینه باشد. درجایی‌که دو نفر گفته‌اند و بقیه نگفته‌اند، نوعاً اینها ملازم هستند. یعنی عدم اطمینان به صدق همان اطمینان نوعی به خطا است.

**استاد**: من عرض کردم چون فتوای ایشان واحد بوده، عبارت عروه با اینجا در مقصود یکی است. ولی بالدقه آیا یکی هست؟ یعنی مفاد دو جمله معادل هست یا نیست؟ معادل نیست. آن عدم اطمینان است و این اطمینان به عدم است. در این دو مواردی هست که در آن‌ها ثالث مطرح می‌شود.

---

[1] مستمسك العروة الوثقى ج ۸ ص۴۵۲

[2] العروة الوثقى فيما تعم به البلوى (المحشّى) ج۳ ص۶۲۹

[3] مستمسك العروة الوثقى ج۸ ص۴۵۴

---

بازبینی #1
ایجاد شده 16 مه 2026 12:20:19 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 مه 2026 12:22:30 توسط ... .